

## یوحنا باب 2

عروسی در قانای جلیل

1 دو روز بعد، در قانای جلیل جشن عروسی برپا بود و مادر عیسی در آنجا حضور داشت. 2 عیسی و شاگردانش نیز به عروسی دعوت شده بودند. 3 وقتی شراب تمام شد، مادر عیسی به او گفت: «آنها دیگر شراب ندارند.»

4 عیسی به وی پاسخ داد: «این به من مربوط است یا به تو؟ وقت من هنوز نرسیده است.»

5 مادرش به نوکران گفت: «هرچه به شما بگوید انجام دهید.»

6 در آنجا شش خمره سنگی وجود داشت، که هر یک در حدود هشتاد لیتر گنجایش داشت و برای انجام مراسم تطهیر یهود به کار می‌رفت. 7 عیسی به نوکران گفت: «خمره‌ها را از آب پر کنید.» آنها را لبالب پر کردند. 8 آنگاه عیسی گفت: «اکنون کمی از آن را نزد رئیس مجلس ببرید.» و آنها چنین کردند. 9 رئیس مجلس که نمی‌دانست آن را از کجا آورده بودند، آبی را که به شراب تبدیل شده بود چشید، اما خدمتکارانی که آب را از چاه کشیده بودند، از جریان اطلاع داشتند. پس رئیس مجلس داماد را صدا کرد 10 و به او گفت: «همه، بهترین شراب را اول به مهمانان می‌دهند و وقتی سرشان گرم شد، آن وقت شراب پست‌تر را می‌آورند اما تو بهترین شراب را تا این ساعت نگاه داشته‌ای!»

11 این معجزه، که در قانای جلیل انجام شد، اولین معجزه عیسی بود و او به وسیله آن جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند.

12 بعد از آن عیسی همراه مادر، برادران و شاگردان خود به کفرناحوم رفت و چند روزی در آنجا ماندند. عیسی به معبد بزرگ می‌رود

(متی 12: 13-21؛ مرقس 11: 15-17؛ لوقا 19: 45-46)

13 چون عید فصح یهود نزدیک بود عیسی به اورشلیم رفت. 14 در معبد بزرگ، اشخاصی را دید که به فروش گاو و گوسفند و کبوتر مشغولند، و صرافان هم در پشت میزهای خود نشسته‌اند. 15 پس با طناب شلاقی ساخت و همه آنان را با گوسفندان و گاوان از معبد بزرگ بیرون راند و سگه‌های صرافان را دور ریخت و میزهای آنها را واژگون ساخت. 16 آنگاه به کبوتر فروشان گفت: «اینها را از اینجا بیرون ببرید. خانه پدر مرا به بازار تبدیل نکنید.» 17 شاگردان عیسی به خاطر آوردند که کتاب مقدس می‌فرماید: «غیرتی که برای خانه تو دارم آتشی در وجودم برافروخته است.»

18 پس یهودیان از او پرسیدند: «چه معجزه‌ای می‌کنی که نشان بدهد حق داری این کارها را انجام دهی؟»

19 عیسی در پاسخ گفت: «این معبد را ویران کنید و من آن را در سه روز برپا خواهم کرد.»

20 یهودیان گفتند: «ساختن این معبد چهل و شش سال طول کشیده است. تو چطور می‌توانی آن را در سه روز بنا کنی؟»

21 اما معبدی که عیسی از آن سخن می‌گفت بدن خودش بود. 22 پس از رستاخیز او از مردگان،

شاگردانش به یاد آوردند که این را گفته بود و به کتاب مقدس و سخنان عیسی ایمان آوردند.  
عیسی همه را می‌شناسد

23 در آن روزها که عیسی برای عید فصح در اورشلیم بود اشخاص بسیاری که معجزات او را دیدند، به او گرویدند 24 اما عیسی به آنان اعتماد نکرد، چون همه را خوب می‌شناخت 25 و لازم نبود کسی دربارهٔ انسان چیزی به او بگوید زیرا او به خوبی می‌دانست که در درون انسان چیست.